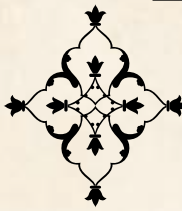


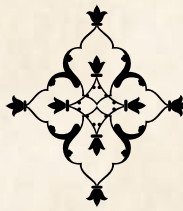


خودکار بیک
خود کار کرستال بیک،
راحت، تمیز، روان، ظریف
و پردوام می نویسد.

نیمه دوم
۱۳۴۳



ا ب ج د



■ صفحه ۱۷ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۲۴۵ ■ چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۹ ■ ۲۷ محرم ۱۴۴۲ ■ ایران قرن هفتاد و هفت

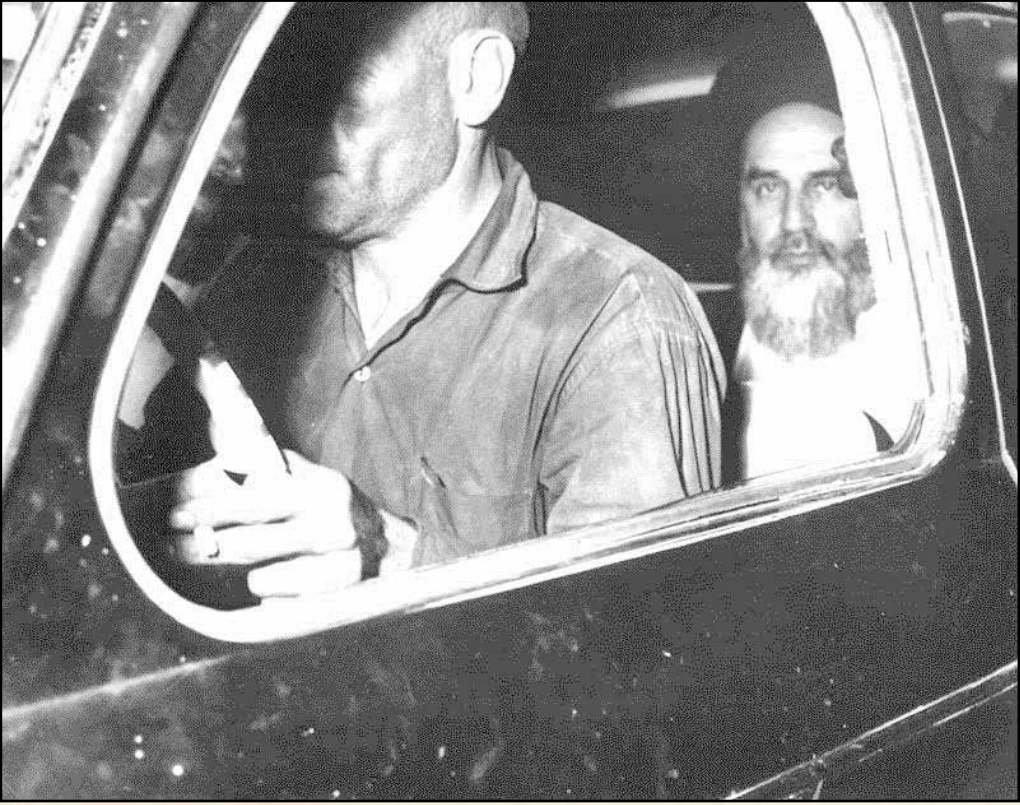


ساعت پریم
نامی مشهور در صنعت
ساعت سازی دنیا. از
امروز فقط ساعت رومیزی
پریم ساخت چکسلواکی
بخواید. فروش در تمام
ساعت فروشی های تهران و
شهرستان ها

[تا] مستشاران نظامی، تمام مستشاران نظامی
امریکا با خانواده هایشان، با کارمندهای فنی
شان، با کارمندان اداری شان، با خدمه شان،
با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از
هر جانی که در ایران بکنند مصون هستند!
اگر یک خادم امریکایی، اگر یک آشپز
امریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار
ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران
حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های
ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی
کنند، باید بروی امریکا! آنجا در امریکا
ارباب‌ها تکلیف را معین کنند!

همچنین اسام خمینی چند روز بعد در
سخنرانی دیگری هم اعلام کردند:«...
اگر مملکت ما اشغال امریکایی است
پس بگویید... تمام گرفتاری ما از این
امریکا است! تمام گرفتاری ما از این اسرائیل
است! اسرائیل هم از امریکا است... و کلاهی
مجلس سنا خیانت کردند... و کلاهی مجلس
شورا، آنهاهی که رأی دادند، خیانت کردند
به این مملکت. اینها وکیل نیستند. دنیا بداند
اینها وکیل ایران نیستند! اگر هم بودند من
عزل شان کردم. از وکالت معزولند.»

سخنان امام خمینی در آبان ۱۳۴۳ علیه
کاپیتولاسیون موج اعتراضات به این مصوبه
را گسترش داد و در این بین شاه و ساواک با
تصور اینکه با محدود کردن آیت‌الله خمینی
می‌تواند به فضای ایجاد شده پایان دهد در ۱۳
آبان کاری را کرد که شعله‌های آتش خشم
بخشی‌هایی از جامعه را گسترده‌تر کرد.
مأموران ساواک روز ۱۳ آبان به خانه
امام خمینی حمله کرده و ایشان را دستگیر
و پس از انتقال به تهران به ترکیه تبعید
کردند. اتفاقی که در روز ۱۴ آبان به
اعتراضات خیابانی در چند شهر از جمله
قم و تعطیلی درس‌های حوزه علمیه قم
منجر شد و در نهایت حکومت از ترس
گسترش ارس واکنش‌ها، در این شهر
حکومت نظامی اعلام کرد. دستگیری‌های
ساواک در آبان و آذر و تبعید امام خمینی
و رو در رویی حکومت با مطالبات
قشرهای مختلف شعله‌های جنبشی را
روشن کرد که در سال‌های بعد شاه دیگر
قادر به خاموش کردن آن نبود...



کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی

کم شده است. ناراحت هستم. قلم در فشار
است. با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم
که چه وقت مرگ پیش بیاید. ایران دیگر
عید ندارد. عید ایران را عزرا کرده اند؛ عزرا
کردند و چراغانی کردند؛ عزرا کردند و دسته
جمعی رقصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را
فروختند و باز هم چراغانی کردند؛ پایکوبی
کردند.

اگر من به جای اینها بودم این چراغانی‌ها
را منع می‌کردم؛ می‌گفتم بیرق سیاه بالای
سر بازارها بزنند؛ بالای سر خانه‌ها بزنند؛
چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد؛
عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش
ایران را پایکوب کردند. قانونی در مجلس
برند؛ در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به
پیمان وین؛ و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین

امریکا در ایران هم از مصونیت حقوقی
برخوردار می‌شدند و همین موضوع با
واکنش‌های تند بخش‌هایی از جامعه از جمله
روحانیون و در رأس آنها امام خمینی رو به
رو شد. البته تصویب این قانون با نکته عجیب
حقوقی هم مواجه بود؛ اینکه ابتدا در مراد به
تصویب مجلس سنا رسید و بعد به مجلس
شورای ملی رفت که به نوعی دور زدن قانون
بود. اما در مقابل این مصوبه امام خمینی در
یک سخنرانی با اشاره به «عظمت ایران از
بین رفت، استقلال از دست رفت، عزت
ما پایکوب شد، مگر ما مستعمره هستیم؟
مگر ایران در اشغال امریکا است؟» عنوان
کردند: «امن تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم
اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند
روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم

بعد از طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و
ولایتی و انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱ که به
اعتراضات گسترده مردم و روحانیون از جمله
امام خمینی روبرو و حوادث مهم در خرداد
۱۳۴۲ را منجر شد؛ سومین قانونی که مصوبه
آن در مجلس شورای ملی و سنا چالش‌های
بسیاری را به وجود آورد و بازهم با اعتراض
گسترده روحانیون رو به رو شد؛ قانون
کاپیتولاسیون بود. قانونی که طبق آن حق
رسیدگی قضایی جرائم اتباع و شهروندان
خارجی در ایران به نماینده حقوقی دولت
خارجی سپرده می‌شد. در ۲۱ مهر سال ۱۳۴۳
قانونی براساس توافق وین (مصونیت سفیران
و مأموران کنسولی کشورهای خارجی در
دیگر کشورها) به تصویب مجلس شورای
ملی رسید که طبق آن مستشاران نظامی

راه اندازی شرکت صنعتی «قلم خودکار» در ایران

نگارش تاریخ با خودکار بیک



رئوگران در حال بازرسی از خط تولید خودکار بیک در دهه ۴۰



آبان سال ۱۳۴۳ را باید نقطه جدیدی در
صنعت نوشت افزار در ایران به حساب
آورد؛ زمانی که علی اکبر رئوگران به
همراه پدر و برادرش شرکت صنعتی «قلم
خود کار» را در ایران راه‌اندازی و با خرید
یک قطعه زمین ۱۱ هزار متر در تهران نو،
ساخت خودکار بیک را در ایران شروع و
با واردات ماشین‌آلات از فرانسه برای اولین
بار تولید خودکار زیر نظر شرکت بیک
فرانسه و به نمایندگی از این شرکت را آغاز
کردند. خودکار بیک ایران با سرمایه ۱۰
میلیون ریال پروانه بهره‌برداری گرفت و با ۹۶
کارگر فعالیتش را شروع کرد و چند ماه بعد
اولین تولیدات آن به بازار آمد.

علی اکبر رئوگران که به‌عنوان پدر
نوشت افزار ایران شناخته می‌شود در
سال ۱۳۰۹ به دنیا آمد. او چهارمین فرزند
خانواده‌ای مذهبی بود و پدرش از بازاریان
بنام و شغل اصلی خانوادگی شان فروش
لوازم التحریر بود. آنها در ابتدا با نام فامیلی
«تحریریان» شناخته می‌شدند ولی مدتی بعد
نام فامیلی خود را به «رئوگران» تغییر دادند.
در سال ۱۳۲۱ علی اکبر رئوگران پس از

پایان تحصیل در مقطع ابتدایی وارد بازار
و در حجره پدرش مشغول به کار شد و تا
سال ۱۳۲۸ و پیش از پوشیدن لباس سربازی
به مدت هشت سال در کنار پدر و در حوزه
کسب و کار تجربه کسب کرد، البته کار در
بازار مانع تحصیلش نشد؛ او به‌صورت شبانه
درس می‌خواند و به دبیرستان می‌رفت. علی
اکبر رئوگران همچنین به یادگیری زبان
انگلیسی اهمیت می‌داد و به همین دلیل در
کنار تحصیل، در کلاس‌های زبان و مکالمه
انگلیسی هم شرکت می‌کرد تا جایی که
تسلط خوبی به زبان انگلیسی پیدا کرده بود.
او در سال ۱۳۳۲ در بازار بین الحرمین، پاساژ
مهتاش یک مغازه خرید و به مدت سه سال
در آن جا کار کرد، البته چون نمی‌خواست
مشتری‌های پدرش را جذب کند تلاش

بریده جریده

تهیه و تنظیم: حسن مجیدی

از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۴۲

درآمد ارزی ۱۷ ساله ایران اعلام شد

۶/۱۹۵/۲۰۰/۰۰۰ دلار که شامل ۵ قلم

ارز می‌باشد، به خزانه مملکت واریز شده

است. به موجب آمار جمع آوری شده

در مدت ۱۷ سال مذکور درآمدهای

ارزی به این شرح بوده است:

سال ۱۳۲۶ ۱۲۹/۳۰۰/۰۰۰ دلار

سال ۱۳۲۷ ۱۶۰/۳۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۲۸ ۱۵۶/۲۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۲۹ ۱۸۰/۹۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۳۰ ۹۸/۴۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۳۱ ۶۳/۵۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۳۲ ۱۳۵/۴۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۳۳ ۲۳۶/۶۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۳۴ ۳۲۴/۲۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۳۵ ۴۲۹/۷۰۰/۰۰۰

سال ۱۳۳۶ ۵۰۲/۵۰۰/۰۰۰



اداره بررسی‌های اقتصادی بانک
مرکزی ایران گزارش جامع و کاملی
پیرامون وضع ارزی کشور از سال
۱۳۲۶ تا سال ۱۳۴۲ انتشار داده است.
این گزارش جامع نشان می‌دهد که در
مدت ۱۷ سال گذشته روی هم رفته

از ترور تا مرگ

قربانی کاپیتولاسیون

حسنعلی منصور [متولد ۱۳۰۲ در تهران]

پس از احراز پست نخست‌وزیری [۱۸]

اسفند ۱۳۴۲ - ۱ بهمن ۱۳۴۳] به جای

امیر اسدالله علم، لایحه کاپیتولاسیون

(اعطای حق قضاوت کنسولی به اتباع

بیگانه) را با وجود مخالفت‌های مردمی

و اعتراض جامعه روحانیت در مجلس

شورای ملی به تصویب رساند و روز

اول بهمن سال ۱۳۴۳ قربانی کارنامه

یک ساله نخست‌وزیری خود شد.

نخست‌وزیر تیر خور

ساعت ده و نیم پامداد امروز آقای

حسنعلی منصور، هنگامی که به

مجلس شورای ملی می‌رفت، جلوی

در بزرگ بهارستان مورد سوء قصد

قرار گرفت.



ضارب که جوان ۱۸ ساله‌ای به نام

محمد بخارایی [عضو گروه فدائیان

اسلام] بود چند تیر به طرف آقای

نخست‌وزیر شلیک کرد. اولین گلوله

به گلوئی نخست‌وزیر اصابت کرد

و بلافاصله به زمین افتاد، تیر دوم نیز

به ناحیه شکم خورد ولی گلوله‌های

بعدی در اثر ضربه‌ای که افسر پلیس به

زیر دست ضارب زد، کمانه کرد و به

دیوار اصابت و ضارب فرار نمود.

چند لحظه بعد ضارب را دستگیر

کردند و به کلانتری ۹ بردند و آقای

نخست‌وزیر را در حالی که غرق در

خون بود به بیمارستان پارس منتقل

ساختند. طبق اظهار نظر پزشکان معالج

حال ایشان رضایتبخش است.

روزنامه اطلاعات- پنجشنبه ۱ بهمن

۱۳۴۳

نخست‌وزیر درگذشت

تلاش طاق فرسای پزشکان و

جراحان ایرانی و خارجی و مقاومت

سخت حسنعلی منصور نخست‌وزیر

۴۱ ساله ایران پس از ۱۳۲ ساعت

مبارزه با مرگ سرانجام ساعت

ده و پنجاه و پنج دقیقه دیشب به

پایان رسید و در میان اضطراب و

اندوه جمعیت زیادی از بستگان و

نزدیکان نخست‌وزیر، وزرا و رجال

و شخصیت‌های مختلف که در این

ساعت در بیمارستان اجتماع کرده

بودند، اعلام شد که نخست‌وزیر در

اثر شدت جراحات وارده در گردن



۱۱ اسفند

نامه او تات دبیرکل سازمان ملل راجع به شکایات
ایرانیان مقیم امریکا نسبت به تبعید امام خمینی، به
وزارت امور خارجه مخابره شد.



۱۰ بهمن

نعمت‌الله نصیری رئیس شهربانی کل کشور به
سمت معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات
و امنیت کشور (ساواک) منصوب شد.



۱۱ بهمن

محمدصادق امانی همدانی عضو هیأت‌های
مؤتلفه اسلامی و عامل به هلاکت رساندن
حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت بازداشت شد.



۶ بهمن

در پی مرگ حسنعلی منصور،
امیرعباس هویدا وزیر دارایی
مأمور تشکیل کابینه شد.



۱۱ آذر

آیت‌الله سید محمدعلی قاضی
طباطبایی توسط مأموران ساواک
دستگیر و به عراق تبعید شد.

۲۵ آبان

قرارداد خرید ۵ هزار تن
ذرت از امریکا به امضا
رسید.

۴ آذر

به مناسبت افزایش قیمت
نفت سفید و سرمای
زودرس غالب مردم با زغال
و هیئز به گرم کردن مسکن
خود پرداختند.

۲ آذر

بهای بنزین و نفت و عوارض مشروبات
غیرالکلی و صنعتی و عوارض مسافرت به
خارج طبق لوائح تقدیمی نخست‌وزیر به
مجلس شورای ملی افزایش یافت: بهای بنزین
از ۱۰ ریال، نفت سفید از ۵/۲ ریال
به ۵/۳ ریال افزایش پیدا کرد.

۱۴ آبان

در اعتراض به دستگیری و تبعید
امام خمینی درس‌های حوزه‌های
علمیه بسیاری از شهرهای کشور
تعطیل و دولت حکومت نظامی اعلام کرد. در
همین روز حجت‌الاسلام مصطفی خمینی فرزند
امام یازداشت و به زندان منتقل شد.



۱۳ مهر

۶ نفر از رؤسای عشایر بویراحمد
به‌نام‌های خداکرم ضرغام‌پور،
حسینقلی خان رستم، جعفرقلی
خان رستم، حبیب شهبازی،
ناصرخان طاهری و فتح‌الله خان
حیات در شیراز تیرباران شدند.

۷ مهر

قرارداد خرید
۱۴۰ هزار تن
گندم از امریکا به
امضا رسید.

روز شمار

گردآوری: محمدگرشاسبی

۱۳۴۳
1964

۱۳۴۴
1965